



مهرماه ۱۴۰۲

نشریه فرهنگی خانه طلاب جوان

ویژه نامه قرارگاه طوفان الاقصی

دریافت رایگان
نسخه مجازی

از طریق کانال نشریه عهد

@nashriyehd



انتقادات و پیشنهادات خود را از طریق آی دی @gohari.67 در پیام رسان ای‌تا با ما در میان بگذارید



تحلیلی بر حماسه جبهه مقاومت

زودتر از تاریخ انقضاء

چرا مردم غزه، خانه‌های خود را ترک نمی‌کنند؟!

چرا با وجود تلفات سنگین، مردم غزه هنوز در خانه‌هایشان هستند؟

یادداشت | حسین کاظم زاده

می‌کند، می‌دود، می‌جنگد ولی همه این‌ها زمینه‌ای است برای نصرت الهی. قابی که باید امروز از غزه روایت شود، بعد حماسه و مظلومیت مردم است. شبیه همان تصویری است که بعد از بمباران بیمارستان المعمدانی بیرون آمد. کنفرانس خبری وزیر بهداشت در بیمارستان؛ دور تا دور شهدای فلسطینی بودند و نشانی جان‌سوز از مظلومیت ملت فلسطین. و در متن این تصویر، وزیر بهداشت پشت تریبون قرار گرفته بود و نمادی از مقاومت و حماسه سازی مردم غزه شد. مظلوم مقتدر امروز کلیدواژه‌ای است که خط رسانه‌ای ما را باید پشتیبانی کند. رهبر انقلاب در توصیف ماجرای امروز غزه، به همین زاویه نگاه صحیح اشاره کردند که باید مراقبت کرد نگاه به بعد مظلومیت، ما از عظمت و قدرت جبهه مقاومت، غافل نکند: (قضایای روزهای اخیر فلسطین به‌ویژه بمباران‌ها و شهادت زنان و کودکان و مردان، دل انسان را مجروح می‌کند اما بخش دیگری از این قضایا نشان‌دهنده قدرت باورنکردنی اسلام در فلسطین است و با لطف و عنایت خداوند متعال این حرکتی که در فلسطین آغاز شده است، به پیش خواهد رفت و منجر به پیروزی کامل فلسطینی‌ها خواهد شد.)

جمله را این روزها خیلی از اهالی غزه می‌شنوم. طوری که به یک ضرب‌المثل تبدیل شده است: کشتگان ما در بهشت‌اند و کشتگان شما در جهنم. این باور مردم را نگه‌داشته، مردم زیر همین موشک‌هایی که تا به امروز به اندازه نصف بمب هسته‌ای روی سر مردم ریخته شده است مقاومت کرده‌اند. از او سؤال کردیم که اصلی‌ترین



نیازمندی مردم غزه چیست؟ در ذهن ما این بود که آب و غذا و برق و مواردی از این دست را با تفصیل بیشتری از این بنده خدا بشنویم؛ اما پاسخ ما را با بُعد جدی عقیدتی مردم غزه آشنا کرد. ما نیاز جدی به دعای شما داریم؛ هر وقت فرصت کردید برای ما دعا کنید. حال جامعه موحد این است که نگاهی به آسمان است. محاسبه

امروز روایت حال و هوای مردم غزه بسیار کلیدی و راهبردی است. صحنه مبارزه دقیقاً همین کوچه‌پس‌کوچه‌های ویران غزه است. واقعاً مردم چرا مانده‌اند؟ چرا حتی پیشنهاد اینکه شمال غزه را خالی کنند و به سمت جنوب بروند را قبول نکردند؟ این همه شهید و مجروح هنوز منصرفشان نکرده؟ زنان و بچه‌ها چرا مانده‌اند؟ این دیگر شعار نیست؛ غزه شده کرب و بلا. قوت غالبشان شده موشک. به قول آن روزنامه‌نگار فلسطینی، ماجرای غزه این است که یک شهیدی را یک شهید مداوا می‌کند، یک شهیدی تشییع می‌کند، شهیدی عکس می‌اندازد و در نهایت، شهیدی بر شهیدی نماز می‌خواند. همین مقاومت است که اسرائیل را به جنون رساند و کار را به بمباران بیمارستان المعمدانی کشاند. مردم غزه چرا شهر و کاشانه خود را ترک نمی‌کنند؟ دیشب با یکی از فعالین سیاسی و رسانه‌ای فلسطینی و مرتبط با جوانان غزه راجع به این مسئله به صورت زنده گفت‌وگوی تصویری می‌کردیم؛ «خالد فاتح» دبیر جمعیت جوانان فلسطین بود و مطلقاً به چهره‌اش حرف‌هایی که می‌زد نمی‌آمد. توصیف عجیبی کرد بعد از اینکه این سؤال‌ها را پرسیدیم. حرفش این بود که این

چاره‌اندیشی‌های شیطان همواره ضعیف است چراکه مبتنی بر حقیقت نیست. لذا مکر شیطان، دچار مکر الهی می‌شود «و مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین». مکر خدا را بخصوص در مورد رژیم صهیونیستی در قضیه جنگ ۳۳ روزه می‌توان دید. رژیم قصد داشت در یک غافل‌گیری، حزب‌الله لبنان را نابود کند اما پیش‌دستی حزب‌الله در به اسارت گرفتن دو اسرائیلی، آن غافل‌گیری را به هم زد و سبب شد که رژیم با آمادگی کاملی برای نابودی حزب‌الله پا به عرصه مبارزه نگذارد و محاسباتش به هم بریزد. امروز هم اسرائیل به دلیل ضعف و اختلافات داخلی نیاز به احیای خود دارد. او با طراحی حمله به حماس حداقل دو هدف را دنبال کرد. اول بازیابی قدرت پوشالی خود و دوم ایجاد وحدت و در واقع ساکت کردن مخالفان داخلی با تمرکز روی دشمن واحدی بنام حماس.

روزهای اخیر در سرزمین‌های اشغالی ایام عید بود، یکی از ده‌ها عیدی که یهودیان در طول سال دارند. هدف اسرائیلی‌ها این بود که بعد از ایام عید، حملات گسترده‌ای را به غزه آغاز کنند. این مطلب وقتی تقویت می‌شود که تحرکات اسرائیل را در ماه‌های اخیر رصد کنیم. از جمله، حمله به اردوگاه آوارگان جنین در کرانه باختری که این عملیات «خانه و باغ» نام‌گذاری و هدفی آن حمله به شبه‌نظامیان داخل اردوگاه قلمداد شد. اما نکته‌ای که در این عملیات مغفول است این بود که ارتش رژیم صهیونیستی این عملیات را موردی از یک مجموعه قلمداد کرد. مجموعه‌ای که احتمالاً ساقط کردن حماس و دیگر گروه‌های مبارز را به دنبال دارد.

از طرفی طرح حمله اسرائیل به غزه بعد از ایام عید یهودی، نکته‌ای بود که توسط یکی از سران حماس مطرح شد؛ اما پیش‌دستی حماس و طراحی و اجرای عملیات بی‌نظیر طوفان الاقصی باعث سردرگمی اسرائیل گردید. و از نشانه‌های این سردرگمی، ناتوانی در مورد هدف قرار دادن نیروهای حماس و حمله به افراد غیرنظامی و بمباران بیمارستان‌ها و مدارس است.

دنیای بعد از طوفان الاقصی

مقایسه شرایط جهانی قبل و بعد عملیات طوفان الاقصی

یادداشت | مهدی شبان

اسرائیل را که مهروموم‌ها برایش زحمت‌کشیده‌اند را از بین می‌برد. یکی از جدی‌ترین ثمرات از بین رفتن این هژمونی، فشار اقتصادی است که به اسرائیل و حامیانش وارد می‌شود. وقتی در قلوب مردم آزاده دنیا به جهت این جنایات، اسرائیل منفور می‌شود؛ روابط اقتصادی کشورها با این رژیم محدود می‌شود، تحریمش کلید می‌خورد، کالاهایش خریدیده نمی‌شود و ...

۲. امنیت ازدست‌رفته: شهرک‌های اشغالی دیگر آن امنیت سابق را نخواهند داشت. مزیت اصلی که رژیم صهیونیستی برای یهودیان غاصب خود درست کرده بود، همین فضای امن این شهرک‌ها بود. امنیتی که دیگر برای مردم و رژیم اشغالگر کابوس شده است. بی‌شک درصد مهاجرت منفی از اسرائیل بزرگ‌ترین تحول اجتماعی درازدست رفتن سرمایه اجتماعی رژیم اشغالگر است.

۳. ضعف و زوال اسرائیل و تحریم ایران: به هر میزان که از قدرت آمریکا و اسرائیل کم شود، به تناسب از قدرت تحریم ایران نیز کاسته می‌شود. یکی از ثمرات جدی این عملیات، به فضل الهی کم شدن فشار تحریم‌ها از ناحیه دشمنان ایران است. بسیاری از تحریم‌ها به جهت لابی صهیونیستی نفوذ کرده در تاروپود نهادهای بین‌المللی اقتصادی و شرکت‌های بزرگ اسرائیلی است.

شکست ترمیم‌ناپذیری که رهبر انقلاب در مورد طوفان الاقصی بدان اشاره کردند، یک بُعدش نسبت ملت‌ها و دولت‌های مختلف دنیا در ارتباط با رژیم صهیونیستی است؛ این بُعد به خصوص بعد از بمباران بیمارستان المعمدانی، به شکل ویژه‌ای در دنیا بروز پیدا کرد.

۱. خشم عمومی مردم و قطع ارتباط با اسرائیل: در بسیاری از کشورها و نه فقط کشورهای مدافع مقاومت، خشم عمومی از اسرائیل ایجاد شد و تجمعات متعدد و پرجمعیت از تگزاس و شیکاگو تا اردن و مصر و سوئد و فرانسه و ... این حجم از نفرت از اسرائیل به صورت طبیعی به همدستان او و مشخصاً آمریکا سرریز کرده است؛ و آمریکا در ذهن مردم به‌عنوان متهم ردیف دوم و حتی اول این جنایات شناخته می‌شود. این کینه‌های بروز یافته را ساده و کم‌ارزش تلقی نکنید، همین فشار افکار عمومی است که حتی مثل فرانسه را هم مجبور می‌کند که این ماجرا را محکوم کند. اردن خروج مردم غزه را اعلام جنگ با خود می‌داند، آذربایجان رفیق و یار غار اسرائیل سفیر رژیم صهیونیستی را اخراج می‌کند، کلمبیا روابط سیاسی خود را به طور کل با این رژیم کودک‌کش قطع می‌کند و ... این‌ها در عرف دیپلماتیک دنیا معنا دارد و آن هژمونی آمریکا و ولیده نامشروعش

تقتلک الفئة الباغية

نگاره | مهدی قریب

عمار که شهید شد، عده‌ای فریاد زدند معاویه و لشکرش همان گروه تجاوزکارند که رسول الله وعده داده بود.

از آن طرف عمروعاصیان شروع کردند که تقصیر علی است که عمار این یادگار عزیز پیامبر را به جنگ آورد. اگر علی این کار را نمی‌کرد، عمار هم کشته نمی‌شد. با این حساب، شهادت عموی پیامبر حمزه سید الشهداء نیز تقصیر پیامبر بوده است که او را به جنگ با کفار برده بود. گروه تجاوزکار، مظلومان و بی‌پناهان را می‌کشد. منتظر

اقدام هم نیست.

دنبال بهانه می‌گردد. این

بهانه نبود؛ بهانه دیگری

می‌تراشند و تجاوز می‌کنند.

پیش‌دستی به گروه تجاوزکار

هزینه‌اش هر چه باشد از هزینه

انفعال کمتر است.



سنت قیام

یادداشت | مرتضی حیدری

تحلیل قرآنی عملیات جبهه مقاومت

جمهوری اسلامی به برکت همان خون‌هاست که ۱۳ موشک نقطه‌زن به پایگاه آمریکا می‌زند؛ پهپاد جاسوسی او را ساقط می‌کند؛ دست آمریکا را از عراق و سوریه و افغانستان برمی‌چیند؛ ناو ایرانی، تمام آب‌های بین‌المللی را سیر می‌کند و کسی جرئت تعرض به او را ندارد. این قانون عالم است. عزت و سرافرازی، تلاش و خون می‌خواهد. حالا که حماس تودهنی محکمی به اسرائیل زده، یعنی مسیر عزتش را آغاز کرده. رسیدن به قله بدون تحمل سختی امکان‌پذیر نیست. بگذار بکشند. ملت‌های جهان بیدارتر می‌شوند. بگذار بیدار شوند تا روزی جهانیان همه دست در دست هم، ریشه ام‌الفساد، آمریکای جنایت‌کار را از روی زمین برکنند.

تعملون؛ هلاکت دشمن و خلافت در زمین از دل همین مشکلات می‌گذرد». این سنت خداست: «إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا». این منطق حسین بن علی علیه السلام است که خون بر شمشیر پیروز شود. خداوند متعال نه تنها جهاد مستضعفین بر علیه مستکبرین را خودکشی نمی‌داند، بلکه اذن جهاد و وعده نصرت به آنان می‌دهد: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» شاید بسیاری از انسان‌ها تصور پیروزی چنین قومی به ذهنشان هم خطور نکند. لذاست که خداوند قدرت خودش را به رخ می‌کشد که «خدا می‌تواند». انقلاب اسلامی ایران به دنیا نشان داد، خون عزتمند شهداست که نهال ضعیف ملت را به درختی تناور تبدیل می‌کند. ایران بعد از جنگ ۸ ساله بود که در چشم مردم دنیا احترام پیدا کرد. امروزه

تعداد شهدای بعد از هجرت پیامبر اکرم با قبل از آن قابل قیاس نیست. ایران در زمان جنگ ۸ ساله حدود ۲۰۰ هزار شهید تقدیم کرد. درحالی‌که آمار شهدای مبارزات ۱۵ ساله‌ی قبل از انقلاب حدود ۱۰ هزار نفر است. اساساً آن‌وقتی که به پا می‌خیزی و سینه‌به‌سینه قداره‌کش‌های عالم می‌ایستی، ضربات بیشتری می‌خوری. این سرگذشت تمام پیامبران الهی است. وقتی علم قیام را برافراشتند، خودشان و یاران‌شان مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. قوم موسی بی‌تابی کردند و به پیامبرشان گفتند: «أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا» چه بسا بعد از آمدن حضرت موسی بیش از قبل آزار دیده باشند. حضرت به آن‌ها فرمود: «عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ

حماسه غزه

یادداشت | علی مهدیان

تحلیل قرآنی عملیات جبهه مقاومت

تهرانی داشتیم (حاج آقا حق شناس) میگفت روضه حضرت علی اصغر علیه السلام از بین روضه‌های کربلا بیشتر ارزش کار بر می‌آید و اتصال می‌دهد به صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه له یعنی به آن افق پر امید و پر از پیروزی. راست می‌گفت. در ماجرای موسی علیه السلام و فرعون هم اهل معرفت میگویند کودکان سر بریده شده به دست فرعون روحشان به مدد موسی علیه السلام آمدند. چگونه؟ آنها دلها را زیر و رو میکنند. پیامبرها بدون یک جبهه برخاسته و قیام کرده کاری نمیتوانند بکنند. این فتح الفتوح است. بله من هم منتظرم که جبهه مقاومت خانه‌های شیطانها را بر سرشان خراب کند. و این چنین خواهد شد شک ندارم. اما نمیتوانم از این ابهت فتح خون‌های مظلوم هم چشم‌پوشم. لا اله الا الله. چه کرده اند معصوم‌های غزه. چه قیامتی شده. هم در عالم هم در جان خودمان. ظاهر این بود که شما منتظر کمک ما و امثال ما بید ولی واقع این که شما به کل عالم کمک داده اید. تا قیامت مدیون شما مییم.

حیدر علیه السلام. حیوان غرب دیسیپلین و باکلاسی‌اش را جلوی چشم همه کنار می‌گذارد چرا؟ چون خفت افتاده. راهی ندارد. بله بله اقتدار عملیات محمدالضیف را با «چشم راهبردی» به خوبی می‌توانید رصد کنید. این منطقه بعد از آن عملیات دیگر مثل قبل نمی‌شود. اما و صد اما فتح کودکان تشنه و محصور غزه با آن قابل مقایسه نیست. برای رصد این پیروزی، «چشم عمیق بین» لازم دارید. دلها را حالا رصد کنید. قدرت اسلام را قیام و انقلاب شکل می‌دهد نه ابزار. قدرت اسلام را صبر و مقاومت و مظلومیت می‌سازد این را پسر رسول الله یادمان داد. چند موشک باید می‌زدیم که چرت مردم پاره شود و بیدار شوند. چند موشک باید می‌زدیم تا باطن کثیف تمدن غرب را به این وسعت به دنیا نشان دهیم. این کار خون‌آلود است. خون مظلوم. و حاکمانشان را مجبور کنند دست از لالمونی و خفه خون‌گرفتن بردارند. حالا دیگر کانادا و فرانسه هم صدا را می‌شنوند. خدا رحمت کند عارفی

ما که عادت داریم از پشت پرده اشک و دریای خون، حماسه را ببینیم. قدرت را ببینیم. فتح را ببینیم. ما که کربلا را دیده ایم. فتح را ما در زدن تانک‌های مرکاوا و ساختمان‌های شهرک‌های شبه نظامیان نمی‌بینیم. فتح وقتی است که خون انسان‌ها به جوش می‌آید و چشمشان می‌بیند. این فتح انسان‌ها است. فتح تاریخ است. ما مدتهاست با مظلومیت کودکان امام معصومان در وسط میدان جنگ با سنگ‌دل‌ترین گرگ‌ها گریه می‌کنیم و می‌بینیم فتح الفتوح کودکان‌شان را حتی شش ماهه شیرخواره، که حراره فی قلوب المومنین ساخته که لن تبرد ابدا. جنگ حماس و جهاد و دیگران اعجاب آور بود، فروپاشی قدرت اسرائیل نه فقط در عالم خارج بلکه مهمتر از آن در ذهن همه حاکمان، فوق‌العاده بود. نشانه این پیروزی را اتفاقاً در همین جنایت کودک‌کشی ببینید. حیوان درنده وقتی هیچ راهی ندارد جلوی چشم همه خود را مفتضح می‌کند. تا شاید همه فراموش کنند، زبونی اش را. مثل عمروعاص در میدان مقابله با

ناامیدی بنی اسرائیل

یادداشت | علی اصغر محمدی راد

جنگ غزه و نظام محاسباتی ما

کارهای خود را پنهانی انجام می‌دهد و جلو می‌برد و برای فسادهایش از لایه‌های حق استفاده می‌کند؛ مانند آمریکا که در کنار همه‌ی کارهایش یک سازمان حقوق بشر یا عفو بین‌الملل طراحی کرده که کثافتش را بپوشاند. اما در جایی که ظلم علنی شد، رفتنی خواهد بود و ماندگاری ندارد مانند قصه پر غصه نوار غزه و بمباران بیمارستان و مراکز عمومی.

الغرض، نظام محاسباتی ما باید منطبق بر اندیشه امامین انقلاب باشد. در این صورت اولاً بن‌بستی نداریم و ثانیاً به وظیفه خود عمل می‌کنیم پس ناامید نمی‌شویم و ناامید نمی‌کنیم.

حال از همین منظر به کارهای دشمن نگاه کنیم. در هر شرایطی هدفش این است که ما را دچار خطای محاسباتی کند و دستگاه محاسبه ما را دچار اشتباه کند. فشارهای اقتصادی و تحریم و اغتشاشات و ... همگی ریشه در همین کار دشمن دارد تا محاسبات ما را منحرف کند. نظام محاسباتی غلط پیروزی‌های جبهه را نمی‌بیند؛ یعنی شما طوفان الاقصی هم راه بی اندازی یا پایگاه عین الاسد را موشک باران کنی باز می‌گویند ما باختیم. در این صورت محاسبات ما مانند دشمن می‌شود و تبدیل می‌شود به یک حساب و کتاب مادی که در آن سنت‌های الهی هیچ جایی ندارد.

اکنون با این نظام محاسبه به بیانات رهبری نگاهی بیندازیم؛ آنجا که فرمودند اسرائیل ۲۵ سال آینده را نخواهد دید یا آنجا که نزدیک بودن قله را به ما بشارت دادند.

نتیجه اینکه اگر با نظام محاسباتی درست به وقایع بنگریم دچار خطا نخواهیم شد. نگاه ما با نگاه مادی دشمن باید تفاوت داشته باشد. آن‌ها خیال می‌کنند اگر صحنه را به لحاظ ظاهری از قدرت خودشان پر کنند و خود را مجهز به سلاح‌ها و پشتیبانی‌های آمریکا کنند، می‌توانند مقاومت غزه را از بین ببرند، غافل از اینکه سنت‌های الهی همه‌ی معادلاتشان را به هم می‌ریزد. چنانچه با عملیات طوفان الاقصی همه هیمنه امنیتی، نظامی و حکومتی اسرائیل فروپاشید.

مَتَى نَصَرَ اللهُ، أَلَا إِنَّ نَصَرَ اللهُ قَرِيبٌ...



در آب شکافته شد و بنی اسرائیل از نیل عبور کردند و سپاه فرعون در همین نیل نابود شد. یعنی دریایی که باعث ناامیدی بنی اسرائیل شده بود، باعث نابودی فرعون و سپاهش شد.

نصرت الهی در اینجا چه زمانی حاصل شد؟ زمان ناامید شدن از همه جا، «حَتَّى إِذَا اشْتَبَأَسَ الرَّسُولُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مِنْ نَشَاءٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ» (یوسف ۱۱۰) تا آنجا که رسولان مأیوس شده و گمان کردند که وعده نصرت خدا خلاف خواهد شد در آن حال یاری ما بدیشان فرا رسید و هر که را ما خواستیم نجات دادیم...

یعنی هر زمان که دیگر ناامید شدی و احساس یاس به تو دست داد و به قول معروف به مور رسید آنگاه زمانیست که نصرت الهی فرامی‌رسد. حال فرض کنید حضرت موسی عقیده‌ای به سنت‌ها و نصرت‌های الهی نداشته باشد، در این صورت اصلاً حرکت نمی‌کند به سمت نیل و بنی اسرائیل نابود می‌شوند.

در مورد قصه فلسطین شاید حالت این روزهای ما مانند قوم بنی اسرائیل باشد که هنگام رسیدن به نیل و ندیدن راه نجات به شدت ناامید شدند؛ اما دقیقاً در همین زمان است که نصرت خداوند وارد می‌شود؛ این وعده‌ی الهی است. مردم غزه تا اینجا مقاومت کرده‌اند و وظیفه خود را انجام داده‌اند. حالا زمانی است که نصرت الهی برسد و این همان «ان تنصروا الله ينصركم» است که مظلومین غزه به ساحت ظهور کشیده‌اند. پیغمبر اسلام در روایتی می‌فرماید: «الملك يبقي مع الكفر ولا يبقي مع الظلم؛ قدرت با کفر باقی می‌ماند اما با ظلم باقی نمی‌ماند و نابود می‌شود». زیرا کفر

ما برای اینکه بتوانیم شناخت درستی از وقایع پیرامون خود داشته باشیم باید بتوانیم درست ببینیم و درست تحلیل کنیم، برای درست تحلیل کردن وقایع دوران انقلاب اسلامی، باید نظام فکری خود را منطبق با اسلام ناب و اندیشه امامین انقلاب ساماندهی کنیم. اما برای اینکه در مورد وقایع بعدی محاسبه و تصمیم درستی داشته باشیم علاوه بر داشتن یک نظام اندیشه، به یک گزینه دیگری احتیاج داریم و آن هم ملاحظه‌ی سنت‌های الهی می‌باشد.

به عبارت دیگر نظام محاسباتی مؤمنین تشکیل شده از دو عنصر می‌باشد، یکی نظام اندیشه صحیح و دیگری سنت‌های الهی. اما سنت‌های الهی در دستگاه محاسبه مؤمن جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا اگر خطا محاسبه کنیم ممکن است سرنوشت خودمان را کاملاً تغییر دهیم.

زمانی که درگیری موسی علیه السلام با فرعون به اوج خود رسید؛ فرعون به سپاهیان‌ش دستور داد که موسی و انصارش را نابود کنند.

خداوند پیغمبرش را از نقشه فرعون باخبر کرد: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكَ مُتَّبَعُونَ» (شعرا ۵۲) حضرت شبانه دستور تخلیه بنی اسرائیل از مصر را صادر کرد و آن‌ها راهی ناکجا شدند، در این هنگام بود که فرعون دستور تعقیب داد: «فَأَرْسَلْ فِرْعَوْنَ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ» (شعرا ۵۳)

موسی و بنی اسرائیل با سرعت حرکت می‌کردند تا زمانی که به نیل رسیدند و دیگر راهی برای گریختن نداشتند. نزدیک صبح لشکر فرعون را از دور دیدند که در حال رسیدن به آن‌ها هستند، «فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ» (شعرا ۶۰)؛ «فَلَمَّا تَرَىٰ الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ» (شعرا ۶۱)

اینجا بود که یاران موسی عليه السلام گفتند که ما گرفتار شدیم. جز عده‌ی قبیلی از اصحاب حضرت، بقیه دچار یأس شدند و موسی عليه السلام را سرزنش کردند. می‌گفتند ای کاش اصلاً نمی‌آمدیم؛ اما حالا غضب چند برابری فرعون در انتظارمان است.

موسی عليه السلام خیلی محکم فرمود: «کلا ان معی ربی سیهدين؛ خدای من با من است و من را هدایت خواهد کرد». آنگاه عصای خود را به نیل زد و راهی